

## نسخه‌ها و چاپ‌ها

تاکنون کهن‌ترین نسخهٔ تحفة‌العراقین - منظومهٔ مشهور از سفرنامهٔ خاقانی شروانی (۵۲۰ - ۵۹۵)<sup>۱</sup> - نسخهٔ مورخ ربیع‌الاول ۷۹۱ متعلق به کتابخانهٔ ایاصوفیا

۱. دربارهٔ سال تولد و وفات او در منابع قدیم اختلاف است و معاصران به تحقیق و تجسس در آنها پرداخته‌اند. در این نوشته دو تاریخی ذکر شد که اتفاق نظر نسبت به آنها اکثریت دارد. منابع احوال خاقانی را به چند دسته باید تفکیک کرد:  
الف. تذکره‌ها و مآخذ پیشینه.

ب. تحقیقات اروپاییان که ظاهراً پیش از همه خانیکوف به او پرداخت (۱۸۶۳).  
پس از او در همهٔ تاریخ ادبیات‌هایی که به زبان‌های اروپایی نوشته شده (و از اهم آنها اته، براون، ریپکا، آربری، بوزانی، پیه‌مونته، برتلس است) ذکر خاقانی آمده. جز این پژوهش‌های منفرد دربارهٔ او انجام شده است، مانند مقالهٔ مفصل ولادیمیر مینورسکی دربارهٔ خاقانی و آندره نیکوس کمنه‌نوس *BSOAS*, 11 (1945): 550-578. این مقاله را عبدالحسین زرین‌کوب به فارسی ترجمه کرده است. برای پرهیز از تفصیل، علاقه‌مندان به اطلاع از سایر مقاله‌ها را به *A Bibliography of Iran* تألیف یحیی ماهیار نوابی، جلد دوم (۱۹۷۱)، ص ۲۸۵-۲۸۲ و جلد هفتم (۱۹۸۷): ۹۳۹-۹۴۰ مراجعه می‌دهد.  
اما باید به دو تحقیق اخیر که دربارهٔ خاقانی شده اشاره کنم: یکی رسالهٔ بدیکت رینرت Benedikt Reinert است به عنوان *Hāqāni als Dichter. Poetische Logik und Phantasie* (برلین ۱۹۷۲) و دیگر رسالهٔ دکتری خانم هلندی A.L.F.A. Beelaert دربارهٔ تحفة‌العراقین خاقانی است مشخصاتش چنین است:

*A Cure for the Grieving. Studies on Poetry of the 12<sup>th</sup> Century Persian Court Poet Khāqānī Šīrvānī.* Leiden, Brill, 2000. (Publication of the De Goeje Fund, 31).

به بعضی از مقالات مربوط به خاقانی که تازگی دارد اشاره می‌شود:

Clinton, J. - The Madāen Qasida of Khāqānī Sharvānī, *Edebiyat*, I (1976): 153-170, II (1977): 191-206.

Beelaert, A.L.F.A.- The Function of the *Mamdūhs* in the 7<sup>th</sup> Maqāla of the *Tuhfa-al-Irāqain*

در استانبول (شماره ۲/۱۷۶۲) دانسته می‌شد. این نسخه را نخستین بار احمد آتش شناسانید.<sup>۲</sup> کاتب این نسخه مسعود بن منصور المتطبّب نام دارد.<sup>۳</sup> اما کهن‌ترین نسخه آن کتاب نسخه‌ای است که به کتابخانه ملی اتریش متعلق است و چون تاکنون فهرست نشده بود ناشناخته مانده بود. این نسخه مورخ ۵۹۳ می‌باشد و نامش به خط قدیم و بی‌خداشه و عیبی «ختم‌الغرایب»<sup>۴</sup> است نه تحفة العراقین.<sup>۵</sup>

البته نسخه‌های قرون هشتم و نهم به بعد - چه تاریخدان مانند نسخه آستان قدس (مشهد) مورخ ۸۴۷<sup>۶</sup> و چه بی‌تاریخ متعدّد است. احمد منزوی در

---

→ by Khāqanī Šīrvānī. *Manuscripts of the Middle East*. 3 (1988): 16-33.

–*Mānī ba 'arus-i Hagla- bar Lasta / dar hagla- ye chār-sū nišasta*. The Ka'ba as a Woman: A Topos in Classical Persian Literature. *Persica*. 13 (1988-89): 107-123.

–La Qasida en honneur d' Ispāhān de Khāqānī et la recherche du Xatm al- Qarā'eb. *Pand-o sokhan, Mélanges offersts a Ch.- H. de Fouchécour*, Par Ch. Balāy, Cl. Kappler et Zs. Vessel. Tehran, 1995, pp.53-63.

ج. پژوهش‌های ایرانیان معاصر که فهرست اهم آنها در فهرست مآخذ خاقانی یاد کرده‌ام.

2. Ateš, A.- *Istanbul Kütüphanelerinde, Farsça Manzum Eserler*. Vol. I. Istanbul, 1968. pp.57-58.

3. De Blois, F.- *Persian Literature. A Bio-bibliographical Survey*, Begun by the late C. A. Storey. London, 1994. Vol. 5, part 2, p.395.

۴. چون در نسخه خطی نام آن به تلفظ پارسیانه ختم‌الغرایب نوشته شده نه ختم‌الغرائب - چنان که در ترتیب عربی باید - در این جستار و در نام کتاب پیروی از نسخه رعایت شد مگر در مواردی که مربوط به نقل مطالب دیگران است.

۵. فهرست دستنویسهای فارسی در کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین. تألیف ایرج افشار. تهران، ۱۳۸۲. ص ۸۴-۸۷

*Catalogue of Persian Manuscripts in the National Library and in the Ausotrian Archvies in Vienna* by Iraj Afshar. Tehran, 2003.

۶. فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، تألیف احمد گلچین معانی، مشهد، ۱۳۴۶، جلد هفتم، ص ۴۰۱.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی» نود و چهار نسخه<sup>۷</sup> و همو در «فهرست مشترک پاکستان» شصت و یک نسخه<sup>۸</sup> و دوبلوا در پژوهش خود مندرج در کتاب «نوشته‌های فارسی» (پایه‌گذاری شده توسط کارل استوری) یکصد و سیزده نسخه را معرفی کرده‌اند.<sup>۹</sup> پس از آن هم قاعده‌ی نسخه‌های دیگری شناخته شده و چه بسا نسخه‌هایی باشد که در کتابخانه‌های فهرست نشده ممکن است به دست آید.

تحفة العراقین براساس رسیدگی دوبلوا پنج چاپ دارد.

(۱) آگره در ۱۸۵۵ (با شرح)

(۲) کانپور در ۱۸۶۷ (تلخیص شده با شرح عبدالسلام)

(۳) لاهور در ۱۸۶۷ (همراه با شرح عبدالسلام)

(۴) لکنو در ۱۸۷۶

(۵) لکنو در ۱۹۳۰ (همراه با شرح اردو)

(۶) تهران در ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) به‌اهتمام دکتر یحیی قریب<sup>۱۰</sup>

بر *تحفة العراقین* چند شرح نوشته شده است که چون موضوع این گفتار محدود به معرفی نسخه‌ی خطی تازه‌یاب اتریش است - که درین مجلد به‌صورت نسخه برگردان به‌چاپ می‌رسد - از پرداختن به آن مطلب می‌پرهیزد. علاقه‌مندان را به پژوهش دوبلوا رجوع می‌دهد.

اساس کار چاپ کنندگان هند فعلاً مشخص نیست که برچه نسخه‌هایی مبتنی بوده است، یعنی من نمی‌شناسم. چون نسخه‌های چاپ هند را ندیده‌ام. شاید نمونه‌های آن پنج چاپ همه در ایران نباشد. امیدوارم اگر به آنها دست یافتم، به تدریج اطلاعی از کیفیت مآخذشان پیدا کنم تا این مبحث روشن‌تر شود.

۷. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تألیف احمد منزوی، تهران ۱۳۵۱، جلد چهارم، ص ۲۷۱۴-۲۷۱۸.

۸. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، تألیف احمد منزوی، اسلام‌آباد، ۱۳۶۵، جلد هفتم، ص ۴۶-۵۱.

۹. حاشیه شماره ۳ دیده شود.

10. De Blois, F. - *Persian Literature...*, pp. 393-397.

دکتر یحیی قریب، بنابر مقدمه خود، نه نسخه را مورد نظر و مقابله قرار داده است. نسخه بدلهایی که او در حواشی آورده است هم دلالت بردیدن آنها دارد. اما هشت نسخه دیده شده او همه آنهاست که از قرن یازدهم به این سوی نوشته شده است (حتی یکی از آنها در سال ۱۳۴۲ق). قریب خود یکی را که کهنه‌تر بوده است کتابت حدود قرن نهم تشخیص داده است.

\*

گفتم قدیم‌ترین نسخه بازمانده از این منظومه مورخ به سال ۵۹۳، متعلق است به کتابخانه ملی اتریش (وین). این نسخه جزو نسخی است که کتابخانه مزبور به تفاریق میان سال‌های ۱۸۶۸ تا ۱۹۴۴ تهیه کرده<sup>۱۱</sup> (بخشی یا خریداری). اما همه ناشناخته و فهرست نشده در انبار کتابخانه نگاه‌داری می‌شد.<sup>۱۲</sup> اما چنان که عکس نسخه گویاست نام منظومه در زمان کتابت به ختم الغرایب شناخته می‌بوده است، یعنی هشتصد و چند سال پیش.

این نسخه که به‌مشخصه Mixt 845 شناخته می‌شود، در سال ۱۹۱۳ خریداری شده است. از نوشته آغازین کاتب (صفحه مکتوب شده به نام مهدی

---

۱۱. از نامه خانم Dr. Eva Irblich مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۹، طبق اوراق و اسناد موجود در آنجا دریافتیم که این نسخه را ه. فرته H. Ferté دیپلمات و مستشرق فرانسوی همراه چند نسخه دیگر به کتابخانه مذکور فروخته بوده است. فرته، زمانی در تهران عضو سفارت فرانسه و فارسی‌دان بود. بعدها چند سال در استانبول می‌زیست. او در سال ۱۳۰۴ قمری موفق به چاپ لطائف عبید زاکانی در همان شهر شد. با میرزا حبیب اصفهانی دوستی داشت و در این کار طبعاً و قطعاً از بصیرت و اطلاعات میرزا بهره‌ور شده بوده است.

۱۲. در سال ۱۳۷۴ به پیشنهاد دوست عزیزم دکتر نصرت‌الله رستگار، کمیسیون ایران‌شناسی (Iranistik) فرهنگستان علوم وین با ایجاد امکانات مالی در آن بخش و موافقت کتابخانه ملی اتریش، از این جانب دعوت کرد که برای نسخ فارسی و قطعات خطوط و تصاویر فهرست نشده آنجا فهرست تهیه کنم. این خدمت را ماهی از زمستان سال ۱۳۷۵ انجام دادم و سپس چند روزی در پاییز سال ۱۳۷۶ و نیز هفته‌ای از سال بعد را به تجدیدنظر و رفع نقایص کار پرداختم. فهرست مذکور با اجازه‌ای که آن کتابخانه داده است نخست به‌زبان فارسی در تهران (به‌وسیله نشر فهرستگان) منتشر شد (تهران، ۱۳۸۲). گفته‌اند ترجمه آلمانی آن از جانب کتابخانه ملی اتریش و شعبه «ایران‌ستیک آکادمی» در وین به چاپ خواهد رسید.

ظواهر دیگر نسخه چنین می‌توان گفت که از زمان کتابت تا انتقال آن  
به اتریش در بلاد عثمانی می‌بوده است.<sup>۱۳</sup>

تاکنون در مجموعه نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی اتریش  
نسخه *الأبنية عن حقایق الأدویة* به مناسبت قدمت کتابت (سال ۴۴۷ هـ.)، یعنی  
نخستین نسخه خطی فارسی شناخته کهن تاریخدار، و به خط اسدی طوسی  
شاعر بودن، و یگانه بودن نسخه آن تألیف - البته تا چندی پیش<sup>۱۴</sup> - در درجه اول  
اهمیت بود و هست. اما از این پس کتابخانه مذکور می‌تواند نسخه *ختم الغرایب* را  
پس از آن در مرتبت خاص خود به‌شمار گیرد، زیرا:

این نسخه کهن‌ترین نسخه از منظومه مشهور شده به *تحفة العراقین* است با نام  
واقعی کتاب و از زمان مؤلف. جز آن، چون دو سال پیش درگذشت شاعر کتابت  
شده است مزیتی روشن است برای کهنگی آن.

این نسخه از نگاه رسم خط و حروف‌شناسی و وقوف بر آداب تحریر و طرز  
کتابت اهمیت دارد و برای مطالعه نسخه‌های ادبی کهن نمونه‌ای برجسته است،  
اگرچه در موارد روشنی از نادرستی کتابت برکنار نمانده است. به‌هرحال مزایا و  
دقایقی دارد که تفصیل آنها پس از این به تفکیک خواهد آمد.

این نسخه در مقابله و سنجش و برای تصحیح متن - چون برهمه نسخه‌های  
دیگر تقدّم زمانی دارد - طبعاً باید مورد عنایت خاص قرار گیرد و نسخه بدل‌های  
نسخ دیگرست که باید وسیله تطبیق و نشان دادن تعارضها باشد.

این نسخه مقدمه متشور چند صفحه‌ای را که غالب نسخه‌ها دارند ندارد. جز  
این نام منظومه در این نسخه *ختم الغرایب* است به‌صراحت (حتی دو بار) نه  
*تحفة العراقین*. تفصیل نسبت به این مطلب مهم مستقلاً خواهد آمد.

این نسخه برای خزانه یکی از ملوک مقتدر ناحیه روم نوشته شده و اگرچه  
مزین و مذهب نیست اما از نظر شیوه کتابت خاص آن منطقه و نیز از نظر آگاه

---

۱۳. فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین. تألیف  
ایرج افشار، تهران، ۱۳۸۲. نگاه بشود به ص ۸۴-۸۷ که به معرفی ختم الغرایب اختصاص دارد.

۱۴. نسخه‌ای متأخر از آن کتابخانه مجلس شورای ملی ایران خریداری کرد که محمدتقی  
دانش‌پزوه آن را معرفی کرده است: راهنمای کتاب. ۹ (۱۳۴۵): ۴۹۱ - ۴۹۳.

شدن بر دامنه‌وری و پیشینه قلمرو زبان فارسی در آن دیار برای ایرانیان جنبه تاریخی و فرهنگی دارد. نشانی است گویا از رواج زبان فارسی و ادبیات درخشان آن در اناطولی و در دربارهای ملوک آن صفحات.

بالآخره - چون از آثار هیچ یک از شاعران فارسی سرای قرون پنجم و ششم نسخه‌ای خطی نداریم که قرین به حیات آنان کتابت شده و برجای مانده باشد، خوشبختانه سعادت و بخت با خاقانی (در گذشته ۵۹۱) یار بوده است که نسخه یکی از آثارش که دو سال پیش از وفات او نوشته شده اینک در دست ماست و تصاریف روزگار خللی بدان وارد نکرده است. به راستی خجستگی است برای چنان متن معتبر که نسخه نفیسی از آن بدین گرانقدری، سالم و غانم برجای مانده است.

### مشخصات این نسخه

نسخه به قطع ۱۶×۲۳ سانتی مترست. و اندازه نوشته متن ۱۱×۱۷ سانتی متر است. عدد اوراق آن یکصد و ده برگ است. رنگ کاغذ آن نخودی سیر مایل به ارده‌ای است. جدول و ستون‌بندی آن به شنگرف است. عناوین هم به شنگرف<sup>۱۵</sup> است. متن به خط نسخ مقدماتی است. خط عناوین در بعضی موارد به جانب تعلیق تمایل دارد.<sup>۱۶</sup>

در صفحه اول (صفحه عنوان) به شنگرف، چنان که گفته شد نام مِلکی (پادشاهی) آمده است که نسخه برای خزانه او کتابت شده بوده است. این است متن آن نوشته:

«ختم‌الغرایب / من مقال‌ت الامیر الامام الحبر الهمام افضل الدین /  
اوحد الاسلام حسن العجم بدیل بن علی الخاقانی الحقایقی / لخرانه

---

۱۵. به همین مناسبت است که این گونه نوشته‌ها در چاپ نسخه برگردان کم‌رنگ‌تر از سطوری است که به مرکب سیاه نوشته شده.

۱۶. برای مشخصات دیگر نسخه‌شناسی فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اتریش دیده شود که مشخصاتش در حاشیه شماره ۵ آمده است.

گزارش الملك المعظم پادشاه اعظم خسرو گیتی / عزالدولة و الدین قطب الاسلام  
و المسلمین ملك الروم و الارمن / سیّد ملوک الشرق و الغرب المؤید من  
السّماء المنصور علی الاعدا / دریادل فرخنده سایه ابوالفتح ملکشاه بن  
الملك ناصرالدین محمد / بن سلدق معین امیرالمؤمنین مدّالله ظلال  
ملکه / علی سایر الخلق و زاد علاه فی حبّ انصاره و قمع اعداءه. //

این عزالدین ابوالفتح ملکشاه از امرای بنی سلدق است که از جانب سلجوقیان  
در ارزروم مقام و برخطه ارمنستان و بخشی از ناحیه شرقی روم حکمروایی  
داشت. از بنی سلدق، چهار تن را زمباور E. de Zambaur یاد کرده و گفته است  
که این ملکشاه - مذکور در نسخه مورد سخن - نزدیک به سال ۵۸۰ به امارت رسید  
و تا حوالی ۵۹۰ در آن سمت مستقر می‌بود. اما بنابر نوشته مضبوط مربوط  
به رسم خزانة ملکشاه و تاریخ کتابت بی‌خدشه آن که مورخ ۵۹۳ است، تاریخ  
زندگی و فرمانروایی ملک مذکور به سال ۵۹۳ کشیده می‌شود. از این حیث هم،  
این نسخه نکته‌ای را در بردارد که منع دیگری شاید متضمّن آن نباشد.  
عبارت انجامه (کلفون) نسخه چنین است:

«تمّ کتاب ختم الغرایب بحمدالله و منّه و حسن توفیقه / فی ثانی عشر  
جمادی الاول لسنة ثلث و تسعین و خمس مائة...»

اگر میان خط عبارت انجامه با خط مرسوم متن همسانی محسوس نیست این  
عارضه ناشی از سنتی است که در غالب نسخه‌ها دیده می‌شود. بدین توضیح که  
اغلب کاتبان عبارت پایانی را با اسلوبی دیگر و به‌طور پیچیده و سریع که معمولاً  
تعلیق‌گونه بوده است می‌نوشته‌اند. اما رقم مذکور در انجامه کاملاً شبیه است  
به آن نوع از خطوط کاتب که عناوین مقاله‌ها را به آن اسلوب نوشته است.

محل کتابت نسخه در «انجامه» ذکر نشده ولی چون نسخه برای امیری از  
امرای بنی سلدق ارزروم نوشته شده است ظاهراً می‌تواند که نسخه در همان  
شهر یا در یکی از بلاد اناطولی به کتابت درآمده باشد.

یادداشتی از سال ۷۷۲ برورق آستر بدرقه دست راست جلد نوشته است که  
آن را بعدها کسی «خط خطی» و سیاه کرده است، به‌طوری که درست خواندنی

نیست. بنابر مندرجات این نوشته، نسخه تا نیمهٔ دوم قرن هشتم در ارزنجان بوده است. مقدار کلماتی که از نوشته میان محو کرده‌ها خوانده شد اینهاست:

«این کتاب... / از خدمت... / به حضور مولانا... ولد مولانا مرحوم... /  
کمال‌الدین... القاضی / بارزنجان / و... / ولد مولانا... چقماق / ... کرد... و  
مذکور / رد کرد و بنده... / تراضی... / ... کتاب... مطالعه کرده / ... فی (؟)  
قریه و املاک بکر مه (؟)... / حرره عبدالقادر... ذی الحجۃ اثنی و سبعین و  
سبعمائه.»

از برافزوده‌های دیگر نسخه یادداشتی است توضیحی در آستر بدرقهٔ دست راست چسبیده به دغهٔ جلد (در اول نسخه) به خط نسخ و به این عبارت: «کتاب ختم‌الغرائب<sup>۱۷</sup> المشهور بتحفة العراقین للخاقانی الشروانی». این نوشته احتمالاً از قرن یازدهم هجری است.

از عوارض ظاهری دیگر نسخه پس و پیشی و صحافی شدن نابه‌جای چند ورق آن بود، به این صورت:

- دو ورق (چهار صفحه) پس از بیت یازدهم که به چهار ورق بعد رفته بود (میان برگ‌های ۴ و ۷).

- دو ورق (چهار صفحه) مربوط به ادامهٔ دو ورق مذکور در فوق که بر ورقهای آن ۱۰۳ و ۱۰۴ شماره خورده بود.

- یک ورق (دو صفحه) یعنی ورق ۱۰۹ که مربوط به دنبالهٔ صفحهٔ ۱۰۲ ب بود.

موقعی که پیشنهاد چاپ «نسخه برگردان» را به خانم اوا اربلیش E. Irblich می‌دادم چون به ایشان متذکر شدم که در اوراق نسخه آشفستگی هست ایشان با دقت خاص خود نسخه را شکافت و اوراق نابجا را منظم کرد و به صحاف ظرافت کار آنجا سپرد و مآلاً به تجلید کشیده شد. پس نسخه برگردان برنظمی است که در صحافی نوین دیده می‌شود.

---

۱۷. در این مورد یادداشت‌نگار به همزه نوشته است نه یاء.



## شماره زندگی خاقانی<sup>۱۸</sup>

۹

تولد او بنا به استدلال بدیع الزمان فروزانفر در «سخن و سخنوران»	۵۲۰
پیوستن به ابوالعلاء گنجوی	۵۴۰
درگذشت کافی الدین عمر عموی او که پرورش دهنده خاقانی بود	۵۴۵
سفر نافرجام خراسان - بیمار شدن در ری و بازگشت به شروان	۵۴۹ یا ۵۵۰
سفر نخست حج و دیدار با جمال الدین محمد اصفهانی وزیر موصل - در همین سفر بود که به اصفهان آمد. سراییدن سفرنامه (ختم الغرایب مشهور به تحفة العراقین) در این دوره انجام شد.	۵۵۱ یا ۵۵۲
بنا به جنگ ۴۸۸ لالا اسماعیل در بغداد بوده است.	۵۶۰
زندانی شدن به دستور شروانشاه. احتمالاً حدود یک سال زندانی بود.	۵۶۴
آمدن آندرونیکوس کمنه نوس به شروان هنگامی که خاقانی در حبس بود.	۵۶۵
سفر دوم حج پس از شفاعت کردن عصمة الدین نزد شروانشاه (فروزانفر این سال را پیشنهاد کرده است، دیگران ۵۶۹ نوشته اند).	۵۶۷
فوت پسرش موسوم به علی	۵۷۱
انشاد قصیده معروف به ردیف صفاهان	۵۷۳
عزم سفر خراسان از راه مازندران به قصد رسیدن به خوارزم و دیدن علاء الدین تکش	۵۸۰
درگذشت در تبریز <sup>۲۰</sup> و به خاک رفتن در مقبرة الشعرا	۱۹۵۹۱

۱۸. این سنوات از مجموعه اطلاعات مندرج در تحقیقات بدیع الزمان فروزانفر - یحیی قریب - حسین آموزگار - ضیاء الدین سجادی - غفار کندلی اخذ شده است.

۱۹. آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی اخیراً مرا آگاه فرموده از تاریخ دقیقی که در نسخه جنگ شماره ۴۸۸ لالا اسماعیل (ترکیه) ورق ۸۱ الف - ب) کتاب ۷۴۱-۷۴۲ مندرج است بدین شرح: «... و کان وفاته فی اواخر شوال سنة احمد و تسعین و خمسمائه بمدینه تبریز و دفن فی حظيرة الشعراء بمقبرة سرخاب و مولده بشروان سنه عشرين و خمسمائه.»

سرخاب.

### نام منظومه سفر حج خاقانی

چنانکه گفته شد، و در عکس نسخه ملاحظه می‌کنید، نام منظومه دو بار مصرحاً و مشخصاً در صفحه اول و در رقم پایانی کاتب ختم الغرایب ضبط است. بیت آغاز آن همان بیتی است که در همه نسخه‌های تحفة العراقین آمده است و منظومه طبعاً به بیت آغازینش شناخته می‌شود، یعنی:

مئیم نظارگان غمناک                      زین حقه سبز و مهره خاک

باید توجه داشت که وجود این عنوان نو در این نسخه، یگانه جایی است که متن منظومه خاقانی مربوط به سفر در سرزمین‌های دو عراق ختم الغرایب نامیده شده است. پس ظاهر این است که شاعر منظومه خود را تحفة العراقین نامیده بوده است. محققان هم متذکر این معنی شده‌اند.<sup>۲۱</sup> البته خاقانی در متن منظومه نامی از سروده خود نیآورده است. فقط دو بار کلمه «تحفه» را در مفهوم عام آن لفظ می‌آورد و آن کلمه میان ابیاتی در پایان کتاب آمده است به مدح جمال الدین محمد موصلی (اصفهانی) وزیر موصل.<sup>۲۲</sup>

---

→ پیش از دستیابی به این سند مهم تاریخ وفات او را در مقاله خود براساس استنتاج شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر سال ۵۹۵ نوشته و طبعاً نسخه را به زمان حیات خاقانی منسوب کرده بودم ولی با تصریحی که نسبت به سال ۵۹۱ شده است نوشته خود را تغییر دادم.

۲۰. آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی مرا متوجه کرد که در «سفینه تبریز» کتابت ۷۳۸-۷۲۰ نکته‌هایی راجع به محل اقامت خاقانی در تبریز (میدان کهن و کوی ضیاء الدین) مندرج است. در آنجا میان خاقانی با اثیر اخسیکنی ملاقات روی داده است (ص ۵۲۹ - ۵۳۰). اینک که ختم الغرائب نشر می‌شود مقاله شفیعی کدکنی با عنوان «خاقانی و محیط ادبی تبریز براساس سفینه تبریز» به چاپ رسیده است: نامه بهارستان، سال چهارم شماره اول و دوم (زمستان ۱۳۸۲): ۱۵۹-۱۶۴.

۲۱. مخصوصاً به تحقیقات حسین آموزگار و غفار کندلی مراجعه شود.

۲۲. ابوجعفر محمدبن علی بن ابی‌منصور اصفهانی وزیر صاحب موصل بود و پدرش نگاهبان یوزهای ملکشاه. جمال‌الدین پس از کسب معلومات و تربیت لازم به خدمت‌گزاری در دیوان

←

گزارش مدحش به ازین نگسترد کس  
 گر خاطر پاک را کند حث  
 این تحفه عراق و شام را بس ۱۱  
 این تحفه کراسه‌ای است محدث  
 کس گفت، خدای را سه گفتم  
 گر آنچه درین کراسه گفتم

از سویی، در آغاز مقدمه منثوری که در بعضی نسخه‌ها مندرج است (ولی نسخه مورخ ۵۹۳ فاقد آن است) و گفته شده است که نوشته خود خاقانی است اصطلاح «تحفه» باز به مفهوم عام لغوی دوبار آمده است این چنین: «اما بعد این تحفه تذکره‌ای است بل تبصره‌ای عقلاء عهد را» و باز جای دیگر می‌نویسد: «مگر ناظم این تحفه حسان‌العجم الخاقانی الحقایقی وقتی خدمت این سلطان دریافت...»<sup>۲۳</sup> این مقدمه پایان می‌گیرد با این عنوان: «...و هذه تحفة الخواطر و زبدة الضمائر»<sup>۲۴</sup> درین مقدمه عنوان تحفة العراقین ضبط نشده است. آمدن چهاربار کلمه «تحفه» در منظومه و مقدمه دلالتی نیست بر آن که خاقانی منظومه را «تحفة العراقین» نامیده بوده باشد. دلالت است بر آن که نام منظومه تحفة العراقین نبوده است.

حسین آموزگار از این مقدمه منثور و خاتمه منظوم تحفة العراقین دو استنباط کرده است: یکی اینکه «تحفة الخواطر و زبدة الضمائر» را نام منظومه بوده است به جای تحفة العراقین<sup>۲۵</sup>، دیگر اینکه می‌گوید وجود کلمه‌های تحفه و عراق و شام در مصراع دوم بیت اول موجب آن شده است که بعدها دیگران نام «تحفة العراقین» را مناسب مضامین و مندرجات کتاب دانسته‌اند و برای آن

→ سلطان محمودبن محمدبن ملکشاه وارد شد و ترقی کرد. سرگذشت او در منابع قدیم مانند ابن خلکان و ابن اثیر آمده و در تحقیقات قریب و کندلی نقل شده است. وفات جمال‌الدین در ۵۵۹ اتفاق افتاده است. ۲۳. این عبارت شبه‌انگیز است از این بابت که تا چه حد از جانب کاتبان در آن دستکاری شده است و آیا به نسبت دادن مقدمه به خاقانی صدمه نمی‌زند؟ او قطعاً نباید خود را حسان‌العجم گفته باشد.

۲۴. تحفة العراقین، به‌اهتمام و تصحیح یحیی قریب، تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۱.

۲۵. مقدمه تحفة الخواطر و زبدة النواظر (تحفة العراقین خاقانی)، نگارش حسین آموزگار، تهران [۱۳۳۴]، ص ۵۴. سجادی و کندلی هم متذکر این مطلب شده‌اند طبعاً براساس نظر آموزگار. ولی قریب توجهی به این نکته نکرده است.

ساخته‌اند. ۲۶

بنده تصوّر این است که «تحفة الخواطر و زبدة الضمائر» فقط عنوانی برای خطبه منظومه (مقدمه) بوده است. زیرا این گونه تسمیه تجانس تامّ دارد با نامهایی که خاقانی به هریک از اجزاء شش‌گانه سفرنامه داده است، یعنی عوانس الفکر لمجالس الذکر، معراج العقول و منهاج الفحول، سبحة الاوتاد و نخبة الاوراد، موارد الاوتاد و فرایدا الافراد، اصدق الکلام فی مناقب الشام. بنابراین اگر بپذیریم که مقدمه از خاقانی است معقول آن است که نامی مستقل همانند اجزای منظومه برنوشته خود باشد.

در آن قرون میان بعضی از شعرا مرسوم بوده است که قصاید مطول خود را نام‌گذاری می‌کرده‌اند. خاقانی هم بعضی از قصاید خود را با همین گونه عناوین مسمی کرده است: مانند «نهضة الارواح و نزهة الاشباح» برای قصیده مشهور «شبروان در صبح صادق کعبه جان دیده‌اند...» که باز مربوط به سفر اوست به حج، یا «باکورة الاسفار و مذکورة الاسحار» برای قصیده «صبح از حمایل فلک آهیخت خنجرش...» و «تحفة الحرمین و تفاحة الثقلین» برای قصیده «صبح خیزان بین به صدر کعبه مهمان آمده...».

### ختم الغرایب

تسمیه «ختم الغرایب» برای منظومه سفرنامه غریب نیست. زیرا در چند مورد و مناسبت این کلمه ذکر شده است:

(۱) نخستین جا در بیتی است از خاقانی در قصیده معروف او به ردیف صفاهان<sup>۲۷</sup>

آنک ختم الغرائب آخر دیدند تا چه ثنا رانده‌ام برای صفاهان  
درین جا به گمان من، اشاره‌ای مشخص است بر آنچه خود در ختم الغرایب نسبت به ثنای صفاهان گفته است. از شنا گفتن صفاهان هم می‌باید مرادش

۲۶. همان، ص ۵۵.

۲۷. دیوان، تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران ۱۳۳۸، ص ۳۵۵.

میرزا حسن خراسانی  
عبارتند از: صدرالدین محمد خجندی رئیس شافعیان شهر و جمال‌الدین محمود  
برادر او و برادر دیگرشان هارون علی.

در آن قصیده درباره دو تا از برادرها این بیت را سروده است:

مدح دو فاروق دین چگونه نبشتم      صدر و جمال آن دو مقتدای صفاهان  
(۲) دو بار در صفحه عنوان و انجامه کاتب از نسخه مورخ ۵۹۳ تصریحاً چنان  
ذکر شده است، یعنی کتابی که اینک در دست دارید.

(۳) یک بار در یادداشت توضیحی مالکی در قرن یازدهم بر همان نسخه.

(۴) شاید کلمه «ختم» در بیت زیر هم اشارتی بوده است به ختم‌الغرائب.

این عقد که ختم شد به نامش      از وی گهر و ز من نظامش

(ص ۲۱۸ خطی)

(۵) نسخه خطی شماره ۶۰۰/۱ تحفة‌العراقین به خط عبدالباری نطنزی مورخ  
۱۰۳۵ تا ۱۰۳۷ دارای دیباچه‌ای است همانند دیباچه مصدر بر بعضی از نسخ  
تحفة‌العراقین ولی با عنوان «دیباچه ختم‌الغرائب» به جای «تحفة‌العراقین».<sup>۲۸</sup>  
ظاهراً این نسخه را کاتب از روی نسخه‌ای کتابت کرده بوده است که نام  
ختم‌الغرائب داشته است.

(۶) در نسخه خطی شماره ۲۷۲/۲ مجموعه سپهسالار (خط قرن سیزدهم)  
۶۴۴ بیت مثنوی به وزن تحفة‌العراقین ولی با نام ختم‌الغرائب و طبعاً منسوب  
به خاقانی به دنبال تحفة‌العراقین درج شده است.<sup>۲۹</sup>

(۷) در ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف‌الظنون آمده است: «ختم‌الغرائب

---

۲۸. فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، تألیف ابن‌یوسف شیرازی، تهران، ۱۳۱۸، جلد دوم،  
ص ۴۶۸-۴۶۹ و ۵۰۲-۵۰۳.

۲۹. فهرست کتابخانه سپهسالار، تألیف محمدتقی دانش‌پژوه و علینقی منزوی، تهران، ۱۳۴۰،  
جلد سوم، ص ۳۶۰-۳۶۱ و ۳۷۰-۳۷۲. دکتر ضیاء‌الدین سجادی متن این ختم‌الغرائب را در  
فرهنگ ایران زمین جلد ۱۴ (۱۳۴۴) به طبع رسانیده است. در پیوست سوم کتاب حاضر عیناً  
تجدید شده است.

فارسی منظوم»<sup>۳۰</sup> بی هیچ‌گونه توضیحی. ذکر چنین عنوان در این کتاب حکایت از آن می‌کند که محتملاً مؤلف نسخه‌ای از متن را در عثمانی دیده بوده است که چنان نامی را به ضبط درآورده است. و بسا احتمال می‌دهم که همین نسخه را دیده بوده است که خرّقه در عثمانی خریده.

۸) ضیاء‌الدین ابن‌یوسف حدائق مؤلف فهرست نسخه‌های خطی مدرسه عالی سپهسالار، با توجه به دو نسخه خطی آن کتابخانه که در یکی منظومه ششصد و چهل و چهار بیتی به نام **ختم‌الغرائب** مکتوب است و در دیگری دیباچه **منثور تحفة‌العراقین** با نام دیباچه **ختم‌الغرائب** به کتابت درآمده، مسئله را این طور توجیه کرده است که خاقانی سراینده دو منظومه بوده.

«حکیم خاقانی شروانی... بنا بر نسبت دادن نویسنده نسخه زیرین منظومه‌ای به وزن مثنوی به نام **ختم‌الغرائب** انشاء نموده و جز نسخه زیرین و نسبت دادن نویسنده آن با جستجوی زیاد در کتب سیر و تذکره‌ها و فهرست‌ها چنین نسبت و آثاری از نسخه‌ای از آن نیافتم، جز این که مجموعه‌ای که به سال ۱۰۳۵ نگارش یافته در این کتابخانه زیر شماره ۶۰۰ موجود است و به مناسبت این که در ابتداء آن دیباچه **تحفة‌العراقین** را کاتب به نام دیباچه **ختم‌الغرائب** معرفی نموده در دفاتر مدرسه به نام **ختم‌الغرائب** ثبت و به همین نام وقف گردیده است و مسلماً این نام به غلط بر این نسخه گذارده شده و با تتبعی که در این موضوع نگارنده نموده **تحفة‌العراقین** بدین نام «**ختم‌الغرائب**» نامیده نشده و این جمله غلط احتمال را قوی می‌کند که خاقانی بدین نام اثری داشته و گذشته از این راه طرز فکر و انشاء این منظومه که در تقلید حدیقه سنایی می‌باشد صحّت انتساب آن را به خاقانی تأیید می‌کند... بدیختانه فقط قسمتی از این مثنوی به نسخه‌ای از **تحفة‌العراقین**... پیوسته و ۶۴۴ بیت بیشتر نیست.

آغاز

کم باش چو گوی اسیر چوگان

بسمله - برکزه خاک تنگ میدان

انجام

بعد از مرحوم ابن‌یوسف، دکتر یحیی قریب (۱۳۳۳)، حسین آموزگار (۱۳۳۴)، دکتر ضیاء‌الدین سجادی (۱۳۳۸ و ۱۳۴۴)، دکتر غفار کندلی هریسچی (۱۳۴۶)، دکتر محمد روشن (۱۳۴۹)، دکتر جلال‌الدین کزازی (۱۳۶۸) اشاراتی به *ختم‌الغرائب* کرده‌اند، ولی همه آن گفته‌ها مبتنی بر دو نسخه‌ای است که مورد معرفی ابن‌یوسف حدائق بوده است و مطلب تازه‌ای عنوان نشده.

محمد روشن در مقدمه خود بر منشآت خاقانی از نسخه شماره ۶۰۰ کتابخانه سپهسالار یاد کرده و نوشته است: «...با مقدمه *ختم‌الغرائب* که در حقیقت مقدمه *تحفة‌العراقین* است آغاز می‌شود. پس از پایان این مقدمه در ورق ۴ نامه‌های خاقانی می‌آید که عنوان «*تحفة‌الخواطر و زبدة‌الضمائر*» به خود گرفته است.» - یعنی نامی که پیشتر گفتیم می‌تواند عنوانی برای مقدمه منشور *تحفة‌العراقین* باشد. ولی ایشان آن را نام تعدادی از منشآت خاقانی دانسته است.<sup>۳۲</sup>

ظاهراً عنوان «*تحفة‌الخواطر*» ناظر است به همان دو بار آمدن لفظ «*تحفه*» در مقدمه *تحفة‌العراقین* و دو بار در پایان منظومه، و گفتیم به ملاحظه وجود مناسبت میان کلمات «*تحفه*» و «*عراق*» در یکی از مصاریع منظومه، صاحب ذوقی زیرکانه نام *تحفة‌العراقین* را بر منظومه عنوان کرده است که هم با «*تحفة‌الخواهر*» مناسبت دارد و هم «*تحفة‌الحرمین*» (مذکور در عنوان قصیده) با آن متجانس و البته در طول قرون درست جا افتاده است.<sup>۳۳</sup>

البته امکان این هم هست که خاقانی محتملاً پس از این که نام اول یعنی *ختم‌الغرائب* را به کتاب داده بود نام دوم را برای آن برگزیده باشد. اما به قول مؤلفان و کاتبان قدیم والله اعلم.

باری، این نسخه قدیم با نام *ختم‌الغرائب حجّت* است برین که *تحفة‌العراقین* در آغاز و در زبان حیات سراینده و در جریان نسخه‌پردازی آن کاتب بدان نام

۳۱. حاشیه شماره ۲۸ دیده شود.

۳۲. منشآت خاقانی، تصحیح محمد روشن، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۳۴۹.

۳۳. *تحفة‌العراقین*، صفحات ۱، ۵، ۲۵۰ (نیز ص مو).

شناخته می‌بوده است و اکنون با به‌دست آمدن نسخه‌ای که نام *ختم‌الغرایب* دارد و از قضای روزگار در امان مانده رازی برای تاریخ ادبیات فارسی مکشوف شده است.

پیدا شدن این نسخه قدیم از *تحفة‌العراقین* (از عهد مؤلف) که با نام *ختم‌الغرایب* کتابت شده است جای تردید باقی نمی‌گذارد که ذکر *ختم‌الغرائب* در بیتی از قصیده اصفهان ناظر است به نام همین کتاب نه مطلبی دیگر. علت اینکه نظر عموم محققان در مورد *ختم‌الغرایب* مذکور در آن قصیده متوجه بریافتن تألیفی دیگر از خاقانی می‌بوده ناشی از آن است که سفرنامه مورد بحث قرن‌ها منحصرأ به نام *تحفة‌العراقین* شهرت گرفته بود و تصور آن نمی‌دانست که نسخه‌ای از آن با نام *ختم‌الغرایب* نسخه‌ای به‌دست آید و ذهن جوینده متوجه و منصرف شود به اینکه *ختم‌الغرایب* مذکور در قصیده اصفهان جز اشارتی به همین منظومه‌ای که به *تحفة‌العراقین* مشهور شده است نمی‌تواند بود.

به تکرار گفته می‌شود که علاوه بر تسمیه نسخه حاضر، قرینه‌هایی که مؤید نام‌گذاری *ختم‌الغرایب* بر سفرنامه خاقانی است آمدن نام صدرالدین محمد و جمال‌الدین محمود در آن قصیده است، یعنی دو برادری که در *تحفة‌العراقین* هم ممدوح شاعر قرار گرفته‌اند. دیگر بودن عنوان *ختم‌الغرائب* است در نسخه خطی مدرسه سپهسالار برای همان دیباجه‌ای که در بعضی از نسخه‌های *تحفة‌العراقین* هست. بالأخره به کار رفتن کلمه «تحفه» دو بار در دیباجه و دو بار در پایان *تحفة‌العراقین* منحصرأ به مفهوم لغوی آن نه به طور علمیت و تسمیه.<sup>۳۴</sup>

#### ۶۶۴ بیت سرگردان

می‌ماند یک نکته و آن این که آیا ممکن است ۶۶۴ بیت موجود در نسخه خطی (و چاپ شده به کوشش دکتر سیدضیاءالدین سجادی)، بر همان وزن *تحفة‌العراقین* و با همان مضمونهای نزدیک و مرتبط و مناسب با آن کتاب و

---

۳۴. حاشیه پیشین دیده شود، همچنین «خاقانی شروانی» از غفار کندلی هریسچی، ترجمه میرهدایت حساری، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۶۹.



مخصوصاً وضع بی‌آغاز و انجام بودن آن (ظاهراً اشعاری است از میانهٔ متنی) که شاید بخشی مفقود و افتاده از *تحفة العراقین* (= ختم‌الغرایب) سرودهٔ خاقانی باشد.

از طرفی ضبط آن ابیات در نسخهٔ خطی با نام *ختم‌الغرائب* آیا می‌تواند این احتمال را تقویت کند و موجب آن تواند باشد که دو منظومهٔ موجود را دو متن: یکی به نام *ختم‌الغرائب* و یکی به نام *تحفة العراقین* از سروده‌ها خاقانی بدانیم. آنچه گفته شد نتیجهٔ رسیدگی یک فهرست‌نگار است نه ژرف‌نگری برآزندگانی که متخصصان متن‌شناسی و ادبیات باشند. این نوشته به صورت پیشنهاد عرضه می‌شود تا مورد نقد واقع شود.

از سوئی وجود نسخهٔ مورخ ۵۹۳- بی‌ابیات موجود در نسخهٔ سپهسالار - ظاهراً می‌تواند دلالت تام داشته باشد براین‌که دو متن ارتباطی به هم ندارند. پیشنهاد دیگر این‌که: هرکس به چاپ انتقادی *تحفة العراقین* می‌پردازد می‌باید ۶۶۴ بیت را به‌عنوان پیوست به‌همراه آن به‌چاپ برساند. چه بسا که در آینده با قرائن و احتمالاً شواهدی که ممکن است به‌دست آمدنی باشد و البته با نگاه دقیق به‌جنبه‌های لغوی و ساختاری بتوان رابطه‌ای میان دو متن یافت.

در پایان این مبحث ضرورت دارد عرض کنم نام *تحفة العراقین* جز بر روی بعضی از نسخه‌های خطی منظومه، در *کشف‌الظنون* به‌عنوان مشخص چنین نوشته شده است: «*تحفة العراقین* فارسی منظوم لافضل‌الدین ابراهیم بن علی الخاقانی الشاعر المتوفی سنة اثنين و ثمانین و خمسمائة. وزنه من مزاحفات السدس.»<sup>۳۵</sup> پس در قرن یازدهم منظومه به‌تحفة‌العراقین مشهور بوده است.

حسین آموزگار تاریخ سرایش *تحفة العراقین* را میان ۵۴۹-۵۵۰ می‌نویسد.<sup>۳۶</sup> یحیی قریب اشاره‌ای به تاریخ نظم *تحفة العراقین* ندارد، ولی سال ۵۵۱ را سال سفر خاقانی و رسیدن او به‌خدمت جمال‌الدین محمد موصلی ضبط کرده است.<sup>۳۷</sup>

۳۵. کشف‌الظنون، چاپ استانبول، ۱۹۴۱، ۱: ۳۷۰. البته تاریخ درگذشته درست نیست.

۳۶. مقدمهٔ *تحفة‌الخواطر و زبدة‌النواظر*، ص ۵۵. ۳۷. *تحفة‌العراقین*، مقدمهٔ یحیی قریب، ص «ی».

## ختم الغرائب دیگر

از طرفه‌های روزگار، یکی هم این است که یکی از «شروح» مشکلات قصاید خاقانی نامش «ختم الغرائب» است و آن تألیف محمد بن خواجگی گیلانی است که نسخه مورخ ۱۰۲۳ آن در کتابخانه ملی تبریز نگاه‌داری می‌شود (مجموعه محمد نخجوانی) و آقای عزیز دولت‌آبادی آن را معرفی کرده است.<sup>۳۸</sup>

## تقسیمات و عناوین

**تحفة العراقین** در نسخه چاپی یحیی قریب (که گفته شده براساس نه نسخه به چاپ رسیده) به هفت مقاله تبویب شده است، ولی نسخه وین در شش مقاله است. نسخه پاریس هم در شش مقاله است. قریب در مقاله چهارم موضع الحاق این عنوان با عنوان فرعی را نگفته و نشان نداده است که وضع هشت نسخه دیگر مورد استفاده‌اش چگونه بوده است. آیا همه بدین تقسیم‌بندی مبوب است یا بعضی از آنها چنان نبوده‌اند.

حسین آموزگار متذکر نشده است که نسخه‌ای دیده باشد که در هفت مقاله باشد. اسامی شش مقاله در نسخه مورخ ۵۹۳ چنین است:

مقاله اول: عوانس الفكر لمجالس الذكر (در چاپ قریب: عرائس الفكر...)

مقاله دوم: معراج العقول فی منهاج الفحول

مقاله سوم: سبحة الاوتاد و نخبة الاوراد (در چاپ قریب ابیاتی از این مقاله که به کوفه و صفت بادیه و کعبه مرتبط است موضوع مقاله چهارم قرار گرفته است)

مقاله چهارم: موارد الاوتاد و فرائد الافراد (در چاپ قریب مقاله پنجم)

مقاله پنجم: هدیة المهتدی الی الهادی (در چاپ قریب مقاله ششم)

مقاله ششم: اصدق الکلام فی مناقب الشام (در چاپ قریب مقاله هفتم)

تفاوت دیگر میان نسخه‌ها به‌عناوین فرعی هر یک از مقاله‌هاست. پس برای نشان دادن این اختلافات فهرست عناوین نسخه وین را استخراج کرده با فهرست

گزین مندرج در چاپ قریب به صورت جدولی درآورده‌ام (در پیوست آورده شده). بی‌گمان اگر این جدول با عناوین نسخه‌های دیگر سنجیده شود احتمالاً اختلافات نوینی به دست خواهد آمد که اغلب ممکن است نتیجه اعمال سلیقه کتاب نسخه‌ها بوده باشد.

### دیباچه منشور منظومه

دیباچه منشور در همه نسخه‌های خطی *تحفة العراقین* نیست. نخستین بار بدیع‌الزمان فروزانفر متوجه و متذکر این مطلب شد و در *سخن و سخنوران* نوشت: «در آغاز *تحفة العراقین* مقدمه‌ای است منشور از انشای خاقانی که در همه نسخه‌ها دیده نمی‌شود...»<sup>۳۹</sup>

حسین آموزگار در تحقیق خود براین استدلال پای فشرده است که وقتی خاقانی *تحفة العراقین* را در شروان می‌سراید متن از مقدمه منشور عاری بوده است. ولی بعدها که به موصل رفت چون خواست *تحفة العراقین* را به محضر جمال‌الدین محمد موصلی تحفه سفر گرداند مقدمه منشور بر آن افزود و در آن نوشت: «دوش برب دجله این تحیت تحریر می‌افتاد...»<sup>۴۰</sup>

با مقدمه و بی‌مقدمه بودن نسخه‌ها را آموزگار ناشی از این مناسبت دانسته است، یعنی نسخه‌هایی که مقدمه ندارند از روی اصولی نوشته شده‌اند که در شروان پخش و نشر شده بود، و نسخه‌هایی که دارای مقدمه است آنهاست که از روی نسخه‌های منتشر شده در موصل نویسانیده شده است. آموزگار در پی این نکته نوشته است از سی و اند نسخه خطی که دیده بوده است فقط دوازده نسخه حاوی دیباچه بوده‌اند. چنانکه می‌بینید نسخه وین هم بی‌مقدمه است. البته در چاپ یحیی قریب مقدمه به چاپ رسیده است.

### تعداد ابیات، تفاوت‌ها و جابه‌جایی آنها

تعداد ابیات در نسخه مورخ ۵۹۳ وین سه هزار و هفتاد (۳۰۷۰) تاست. تعداد

۳۹. سخن و سخنوران، تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران ۱۳۵۰، چاپ دوم، ص ۶۲۶.

۴۰. *تحفة العراقین*، ص ۱.

ابیات در نسخه چاپی یحیی قریب ۳۱۵۸، یعنی نسخه کهن هشتاد و نه بیت کمتر است. اما در این نسخه اگر اشتباه نکرده باشم سی و دو بیت هست که در چاپ قریب نیست. پس تعداد واقعی تفاوت ابیات نسخه وین نسبت به چاپ قریب بالغ بر پنجاه بیت می شود. حسین آموزگار تعداد ابیات نسخه کتابخانه ملی پاریس (از اواسط قرن نهم) را ۳۱۶۷ یاد کرده است.<sup>۴۱</sup>

ابیاتی که در نسخه وین هست و در چاپ قریب نیست این بیتهاست:

چون نمرود ای سشه (۴) مانند	پرواز به پَر کَرکسان چند
	(ص ۵۱ خطی)
رفت آن که برین سرای مجبور	جم سلطان بود و دیو مزدور
	(ص ۵۴ خطی)
معمور چه (چو) عرش ثانیس دان	مقدس چه (چو) جهان ثانیس دان <sup>۴۲</sup>
	(ص ۶۷ خطی)

#### [ذیل مدح حضرت مجدالدین]

سید کوهی است کان امکان	حضرت بحری است صاف احسان
کوهی و چه کوه ملجأ نوح	بحری و چه بحر مشرب روح
بحری ملکوت برکرانش	عالم چو جزیره در میانش
هرهشت جنان دو خاشه بر وی	هرهفت بحار غرقه <sup>۴۳</sup> در وی
گاو و صدف فلک بدو در	این زاده به عنبر، آن به گوهر
در بحر گشاده روی، سر زیر	ماهی قلم، نهنگ شمشیر
مردان و مهان شده شناور	ماهی به کف و نهنگ در بر
ماهی دوران چو مار افعی	در شست بنان زبان معنی
وان پشت نهنگ اژدها خوار	هم چون شکم صدف گهر خوار
آورده ز موج بحر والا	گوهر چو کف و حباب بالا
غواصان تا شده نگون سر	زان کف به کف آورند گوهر

۴۱. مقدمه تحفة الخواطر و زبدة النواظر، ص ۶۰-۶۲.

۴۲. قافیه به همین وضع است.

۴۳. اصل: عرفه

۲۱	<p>برجودی جود باز خورده از رخنه چو آفتاب بی‌بیم چون قوس قزح<sup>۴۴</sup> شد [ه] نگوسار تا محشر مشربش یقین باد زان بحر کشیده فیض ظاهر مایه‌اش هم از زکوة دریاست</p> <p>(ص ۷۴ - ۷۵ خطی)</p> <p>بسرگردون صد هزار دینار وصفش مدد ضمیر من گشت</p> <p>(ص ۸۸ خطی)</p> <p>ز آینه دل به آب دیده آینه به آب می‌زداید</p> <p>(ص ۱۹۴ خطی)</p> <p>افطار به ذکر حالت اوست پر آب خضر شود دهانم امسال ز روزه باز ماندم زی غمکده من آورد راه</p> <p>(ص ۱۹۹ خطی)</p> <p>طبعم به‌تای او فرو داشت با این همه حقّ دقیقه گیرست عدلش مدد حیات او باد از عدل، دراز عمرتر نیست</p> <p>(ص ۲۰۲ خطی)</p> <p>نکته دیگر از تفاوت میان دو متن پس و پیشی ابیات است، خواه یک بیت و</p>	گزارش	<p>کشتی طلب خطا نکرده هرکشتی حاصل یک اقلیم کشتی فنا درو به پیکار آن بحر، شکارگاه دین باد <b>خاقانی</b> را سحاب خاطر ابر ار چه مُجَاهِز تواناست</p> <p>پیداست به مهر او شب تار عقل از پی وصف او سخن گشت</p> <p>برده همه زنگ‌ها که دیده این معجز بین که می‌نماید</p> <p>عیدم ز جمال و قالت اوست زیرا چو ازو حدیث رانم از بس که ازین حدیث راندم چون دولت بی‌بهبانه هرگاه</p> <p>چون دل سر خاندان او داشت صاحب گه عدل بی‌نظیرست از صورتِ عدلِ ذات او باد گر هرچه به کارگاه دنیی است<sup>۴۵</sup></p>
----	---	-------	--

خواه سه چهار بیت و بیشتر پشت سر هم. تعداد این موارد به چهل و پنج بار می‌رسد. این گونه پس و پیشیهای ابیات مربوط به مدح امام رضی‌الدین خزاعی و جمال‌الدین محمد موصلی و شرف‌الدین علوی است. در مصراعها هم به ندرت پس و پیشی وجود دارد.

## رسم‌الخط نسخه و نکات زبانی

### الف) نحوه ضبط حروف

۱) آ - گاهی بدون مدّ، چه در کلمات عربی و چه فارسی (مانند اثار، اینه ادمیان، استان و نظایر آنها).

۲) پ - گاهی با سه نقطه و گاهی و به یک نقطه. موارد آن دو را در فهرست پایانی ملاحظه خواهید کرد. آن دو ردیف نشان می‌دهد که کاتب بیشتر موارد را به «پ» نوشته است. یک بار که نام «بارید» را آورده آن را به صورت «پارپد» نوشته است.

نکته دیگری که در مورد «ب» و «پ» درین نسخه دیده می‌شود در ترکیب آنها بر سر «ی» است. ازین جهت که دندانۀ آن دو حرف را تقریباً محذوف ساخته و زیر لبۀ «ی» یک نقطه به نشانه «ب» یا سه نقطه به نشانه «ب+ی» گذاشته شده است.

۳) چ - به سه صورت است: اما در مواردی سه نقطه بر بالای آن است و این نحوه رسم‌الحرف کاملاً تازگی دارد. همه آن موارد در پیوست پنجم ذکر شده است.

- گاه سه نقطه در زیر دارد به مانند نگارش کنونی (چون، چرا).

- گاه به یک نقطه (جون، چرا).

عجب است که در یک صفحه و حتی یک بیت به دو گونه هم آمده است. فهرست کلمات مربوط به این حرف در سه ردیف جدا آورده شد تا معلوم باشد تمایل کاتب بیشتر به کدام ترتیب بوده است.

۴) ذال فارسی - در کلماتی مانند دیذار - دیزه - کشیده - آلود - اندوذ -

(۵) ژ - تا جائی که دقیق شده‌ام همیشه به‌مانند امروز سه نقطه بر بالای آن نوشته شده، مثلاً:

اژدها ۷، ۸، ۹، ۳۲، ۶۹، ۷۵، ۱۶۶، ۱۷۴، ۲۱۲ (۲ بار)

ژاله ۱۳۳

ژرف ۲۲

ژنده ۴۴، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۳۳

ژیان ۲۱۲

کژ ۱۹ (۲ بار)، ۳۰، ۴۸، ۵۳ (۲ بار)

کژاوه ۹۸

نژاد ۵۸

نژند ۱۳۴

(۶) س - معمولاً با سه نقطه در زیر و گاهی دو نقطه درون آن نوشته شده مانند «ی».

(۷) گ - به سه صورت دیده می‌شود:

- گاه همانند کاف

- گاه سه نقطه به‌زیر آن (بیت ۲ ص ۷۵)

- گاه سه نقطه بر بالای آن (بیت ۸ ص ۷۴ و ۳ ص ۷۵).

(۸) ی - گاهی دو نقطه در درون دارد. (بیت آخر ص ۷۴)

□

ب) ابدال حروف: مانند «وش» که همیشه به صورت «فش»<sup>۴۶</sup> ضبط شده است: ارغوان فش ۴۰، پلنگ فش ۱۵، حورفشان ۴۶، ساری فش ۱۹، طفل فش ۴۱، کبودفش ۵۳، کودک فش ۴، ملک فش ۱۲۸

۴۶. در دیوان هم دیده می‌شود از جمله در رباعیات

شبهای سده زلف مغان فش داری

در جام طرب باده دلکش داری

(ص ۱۳۳۱ چاپ جلال الدین کزازی)

ج) گسستگی در کتابت کلمات مرکب مانند: بازی‌گه - ره‌رو - دست‌انبو - لعبت‌گر - شهره (= شاهراه) - غم‌کده - می‌کده

د) پیوستگی در کتابت دو کلمه، مانند این موارد دیده شد: حوادثست (۱۰۶)، سجدار (۷۸)، همان‌جا جدا هم نوشته شده، کابوالبشر (۲۰۶)، کبود = که بود (۱۳ و ۱۷۴)، کنخواهی = که خواهی (۲۱)، کندر = که اندر (۱۲۶)، مادرانگای = مادران‌گای (۲۰۷).

ه) پیوستگی «به» اضافه. معمولاً به کلمه چسبانیده شده.

و) اعراب در کلمات فارسی - طبعاً نمایاننده تلفظ کاتب و موطن اوست مانند: پُستان، آبستن (۶۵)، تُراشش (۹۰)، ارونند = کوه الوند (۷۱) بُس = پس (۸۷)، زُبانی (۷۱)، سُوار (۵۷، ۵۸، ۲۰۶)، نُبشته (۹۱، ۱۴۸).

### نشانه‌ها و علائم

اهم علائم استفاده شده درین نسخه این موارد است:

سه نقطه برای پُر کردن جای خالی میان دو کلمه بطور مثال ۳، ۵ (دوبار)، ۱۰، ۱۱، ۱۴ (به‌وضع عجیب)، ۱۸، ۲۲، ۲۷، ۳۳، ۳۴ (سه بار) ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۵۸، ۶۰، ۶۳، ۷۰ و ۷۹ (در هر دو مورد میان یک کلمه گذاشته شده)، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۳ (در غالب صفحات دیده می‌شود) به این شکل

برای پُر کردن جای خالی به این شکل

ابرو مانند با سه نقطه ذیل آن (۱۴۳) به این شکل

خط تیره: ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۰ به این شکل

□

فواید دیگر: بجخشم (۱۰۲)، پاونجن به جای پاورنجن (۹۹)، خانگاه (= خانقاه، ص ۴۲)، خانگر (ص ۷۴)، سرخاب (= سرخاب، ص ۶۶) ۴۷ سد

---

۴۷. نوشتن سرخ به صورت صُرخ از جمله در نسخه‌ای از جواهرنامه نظامی تألیف سال ۵۹۲



بجز جای صد (۱۰۳)، ظغرل (= طغرل ۸۰ دو بار) و دوبار بی نقطه - «نوگ» با سه نقطه در بالای کاف برای آن که خواننده آن را نوگ بخواند (۶۸ و ۶۹)، و رخچ (۱۰۲).

### غلط در نسخه

چندگونه غلط کتابتی در نسخه وین هست.

(۱) اغلاط مسلم: مانند زنبق به جای زیبق (۱۳۴) - داندانه به جای دندانه (۳۹) - زند سازند به جای زند سازد (۶۰) - جهان پاره به جای چهارپاره (۹۴) - قوس و قزح به جای قوس قزح (۸۴) - خطا به جای خط (۷۸)، سالکان به جای سالکان (۷۶).

(۲) سهوالقلم: مانند آفاق به جای آفات (۱۸۵)، کار راستی به جای کاراستی (۱۶)، قده به جای قدوه (۲۱۱).

(۳) بی نقطگی کلمات.

(۴) افتادگی کلمات یا حروف: زیاد نیست.

البته از این گونه اغلاط درین نسخه به دست آوردنی است، ولی اهمیت قدمت رسم الخط آن و مواردی که موجب نقد و اصلاح نسخ دیگر خواهد بود، پوشاننده لغزشهای کاتب است.

### شماره گذاری قدیم بر صفحات

در نسخه‌ها معمولاً مرسوم است که شماره برگها یا کراسه‌ها را بر صفحه سمت چپ می‌نوشته‌اند. ولی درین نسخه شماره‌های قدیمی بر صفحه سمت راست نوشته شده است. جزین رقم آحاد بر سمت چپ رقم عشرات است و عشرات بر سمت چپ رقم مآت، مانند ۸۶۰ (= ۸+۶۰) به جای ۶۸. ظاهر آن است که شماره‌گذار (بعد از کاتب) آنها را آنطور که تلفظ می‌کرده نوشته است.

---

→ متعلق به مجموعه کتابخانه مرعشی قم کتابت قرن هفتم هجری نزدیک به پنجاه بار دیده می‌شود. متن این کتاب در انتشارات میراث مکتوب به تصحیح این جانب انتشار یافته است. (تهران، ۱۳۸۳). کلمه صرخ در آن نگاه‌داری شده.

جزین بر گوشهٔ چپ برگهای سمت راست هم عددشمار دیگری هست که دو شماره با واقعیت تفاوت دارد.

### شماره گذاری‌های تازه

(۱) برگ شمار توسط کتابخانه انجام بر گوشهٔ چپ سمت راست در بالای صفحه.

(۲) صفحه شمار توسط کتابخانه پایین صفحه در دو سمت راست و چپ

(۳) عدد میان ( ) کنار جدول (سمت راست و چپ صفحات) که نشانهٔ شروع بیت در چاپ یحیی قریب است. من آنها را برافزوده‌ام.

### سپاسگزاری

اینک که چاپ «نسخه برگردان» (فاکسیمیله) از ختم‌الغرایب تقدیم می‌شود باید این‌سطور را به سپاسگزاری از سرکارخانم هُفِراد دَکتر اوا اربلیش Eva Irblisch معاون بخش «نسخه‌های خطی و مواریت افراد» در کتابخانهٔ ملی وین در فراهم ساختن میکروفیلم و دوست فاضل دَکتر نصرت‌الله رستگار که موجب معرفی من برای فهرست‌نویسی نسخ خطی آنجا شد - و این مقدمه را با همدستی آقای دَکتر فراگنر به ترجمهٔ آلمانی درآورده‌اند - به‌پایان آورم.

همچنین از مؤسسهٔ ایرانشناسی آکادمی علوم اتریش و دوست دانشمند دَکتر برت فراگنر B. Fragner که اکنون مدیریت آنجا را در عهدهٔ کفایت خود دارد و دامنهٔ فعالیت آنجا را گسترش داده است، ازین روی که پیشنهاد چاپ ختم‌الغرایب را پذیرفته‌اند و این کتاب در سلسلهٔ انتشارات آن فرهنگستان انتشار می‌یابد سپاسگزاری می‌نمایم.

وظیفه دارم از خانم دَکتر بلائرت A.L.F.A Beelaert هم سپاسگزاری کنم ازین که به مقالهٔ من در مورد نسخهٔ تحفة‌العراقین توجه فرمود و در چاپی که از کتاب خود دربارهٔ تحفة‌العراقین کرده (لیدن، ۲۰۰۰) صفحه‌ای را به این موضوع اختصاص داده است.

